

بیانیه پایانی کنگره هشتم حزب کمونیست ایران

کنگره هشتم حزب کمونیست ایران در روزهای 11 تا 16 تیرماه 1383 (1 تا 6 ژوئیه 2004) برگزار گردید. این کنگره با حضور نمایندگان تشکیلات خارج از کشور حزب، نمایندگان بخش علنی تشکیلات کومه‌له، اعضای کمیته مرکزی و شماری از اعضای حزب که به عنوان ناظر در کنگره شرکت داشتند، همزمان در دو مکان با استفاده از شبکه اینترنتی که شرکت مستقیم همه رفقا را در مباحثات و تصمیم‌گیریها تامین می‌کرد برگزار شد. کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به نشانه گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیزم کار خود را آغاز کرد. کنگره با تصویب اعتبارنامه نمایندگان و اعلام حضور اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان منتخب تشکیلاتهای مختلف رسمیت خود را اعلام کرد و با تصویب آیین نامه داخلی کنگره و دستور جلسات و انتخابات هیئت رئیسه دائم کار خود را ادامه داد.

کنگره در بحث حول گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته مرکزی که یکی از دستور جلسات کنگره بود و شامل تحلیل و ارزیابی عمومی از اوضاع جهان معاصر، اوضاع سیاسی کنونی و شرایط مبارزه طبقاتی در ایران، عملکرد ارگانه‌های مختلف تشکیلاتی و خطوط اصلی استراتژی حزب کمونیست ایران بود، بر مباحث زیر تاکید کرد:

آمریکا در دوره گذار و ناپایداری، که بعد از جنگ سرد و سقوط اتحاد جماهیر شوروی، در مناسبات بین‌المللی پیش آمده بود تلاش کرد، که با اتکا به قدرت نظامی خود " نظم نوین جهانی" مورد نظرش را به رهبری خود شکل دهد. جنگ نخست آمریکا با عراق که به دنبال اشغال کویت توسط رژیم عراق صورت گرفت به عنوان یکی از نخستین ابزارهای تحمیل این هژمونی بر مقدرات جهان در شرایط جدید، به کار گرفته شد. اما ادعاهای برقراری نظم نوین جهانی به رهبری آمریکا بسیار زود چون حبابی ترکینند و به یک معنای بی‌نظمی نوینی بر جهان حاکم گردید. دخالت‌های نظامی و سیاسی آمریکا در هیچ نقطه‌ای از جهان نه تنها امنیت و ثبات را با خود به همراه نیاورد بلکه به تضادها و رویارویی‌های محلی و منطقه‌ای شدت بیشتری بخشید. مسئله فلسطین لاینحل باقی ماند، قضیه عراق بعد از 13 سال بلاتکلیفی و محاصره اقتصادی سرانجام به غرقابی هم برای مردم آن و هم برای نیروهای آمریکایی تبدیل شد. با وجود کمپین عظیم جهانی و صرف میلیاردها دلار پول، تروریسم اسلامی نه تنها مهار نشد بلکه خطرناکتر و منسجم‌تر سر برآورد. جنگ‌های قومی و مذهبی در کشورهای بالکان بزرگترین تراژدیهای انسانی چند دهه اخیر را به بار آوردند. کشمکش‌های دیگری نظیر دعوی هندوستان و پاکستان بر سر کشمیر، مسئله چین و مسائل دیگر نظیر مشکلات شمال آفریقا همچنان به قوت خود باقی ماندند. در این میان بویژه عدم پیشرفت نقشه‌های آمریکا در خاورمیانه، ناتوانی در برقراری صلح در فلسطین، ناکامی‌های اخیر در عراق همگی نشان دهنده این واقعیت هستند که چنانچه دولت آمریکا سهم رقابتی پر قدرت خود را به میزان نیروی واقعی آنها در جهان مراعات نکند، در میدان عمل با چالش‌های بزرگی روبرو خواهد شد.

اروپای متحد روز به روز بیشتر به صورت یک قدرت اقتصادی بزرگ و یک نیروی سیاسی مقتدر در برابر آمریکا قد علم می کند، روسیه از خفت دهه اخیر سر بر آورده است و مواضع محکمتری در مقابل آمریکا اتخاذ می کند. چین راه خود را به سوی تبدیل شدن به بزرگترین غول اقتصادی جهان با سرعت می پیماید.

همه اینها نشان میدهد که رویای جهان یک قطبی به رهبری آمریکا تا چه اندازه دور از دسترس است. امروز توانایی آمریکا از لحاظ اقتصادی نیز در سطح جهان به چالش کشیده شده است و موقعیت کنونی این کشور در توازن قوای بین المللی نه ناشی از قدرت برتر اقتصادی بلکه به علت بلامنازع بودن توانایی نظامی آن است. در یک کلام عظمت طلبی آمریکا مبنی بر حاکم شدن بر مقدرات جهان با موانع بزرگ و سرنوشت سازی روبرو شده است.

کنگره هم چنین در چهار چوب گزارش به ارزیابی از یک جریان اسلام سیاسی که پرچم نوعی اعتراض ارتجاعی به آمریکا و غرب را بدست گرفته است، پرداخت. کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و بخشهایی از آسیا که در آن پیروان دین اسلام زندگی می کنند از نمونه های عریان فقر و بی حقوقی هایی هستند که نظام سرمایه داری معاصر تحمیل کرده است. اکثریت مردم این منطقه در فقر مطلق زندگی می کنند، بیکارند و یا با کمترین دستمزدها به کار گرفته می شوند، در حالی که خود بر دریایی از ثروتهای طبیعی نشسته اند. هیاتهای حاکمه فاسد در این کشورها غرق در ثروت و نعمت اند و با سرکوبگرانه ترین شیوه ها بر مردم کشورهای خود حکومت می کنند.

همه اینها در غیاب وجود یک آلترناتیو پیشرو و رادیکال زمینه را برای رشد جریان ارتجاعی اسلامی با اهداف سیاسی هموار کرده است و بخشی از مردم و اعتراض موجود را به دور پرچم خود گرد آورده است. این جریان که در دوره ای برای مقابله با احزاب کمونیست طرفدار روسیه و برای مقابله با نفوذ اتحاد شوروی از جانب آمریکا پشتیبانی و تقویت می شد، به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی با تکیه بر زمینه اجتماعی مساعدی که در کشورهای عرب و مسلمان نشین وجود داشت، رشد یافت. در واقع تروریسمی که امروز آمریکا از وجود آن می نالد، روزگاری در آغوش خود وی پرورده شده بود. این حرکت که ضدیت با آمریکا و مدرنیسم غربی را شعار قرار داده است، در عین حال دشمن سر سخت کمونیسم، برابری زن و مرد و هرگونه حقوق پیشرو و دمکراتیک در این جوامع است.

بخش دیگری از گزارش سیاسی به نتایج رشد شگرف تکنولوژی بویژه در زمینه های اطلاعات، الکترونیک، انرژی، ژنتیک و رشد بی سابقه نیروهای مولده و افزایش بارآوری کار پرداخت و خاطر نشان کرد که بکارگیری تکنولوژی پیشرفته تحت حاکمیت نظام سرمایه داری بجای آنکه به ساعات کار کمتر و رفاه و آسودگی بیشتر توده تولید کنندگان منجر شود، کاهش اشتغال، رشد بیکاری، فقر و فلاکت اقتصادی توده های استثمار شده در سطح جهان را بدنبال داشته است.

در این مبحث همچنین به پیامدهای جهانی شدن سرمایه و یک‌تازی نئولیبرالیسم اقتصادی در سطح جهان اشاره شد و بر این واقعیت تاکید گردید که جهانی شدن سرمایه تحت سیاستهای نئولیبرالیستی، خصوصیات ذاتی سرمایه و آثار آن را خشن تر از همیشه بر زندگی اکثریت مردم جهان نشان داده است و این سیاستها هر جا که به عمل در آمده اند عواقبی جز فقر و سیه روزی و به تباهی کشاندن زندگی توده‌های محروم جامعه را بدنبال نداشته است.

اما اینها تنها یک وجه از سیمای جهان امروز است. جنبش میلیونی ضد جنگ که به وسعت تمام جهان در جریان بود، مقابله طبقه کارگر با تعرض سبعانه بورژوازی به سطح معیشت و دست‌آوردهایش، رشد مبارزات کارگری در مراکز صنعتی جهان (که در بسیاری جاها از سیاستهای رفرمیستی و سازشکارانه حاکم بر اتحادیه‌های کارگری پا فراتر نهاده اند)، جنبش آنتی گلوبالیزاسیون که اعتراضی است به عوارض جهانی شدن سرمایه و سیاستهای نئولیبرالیسم دولت‌ها و کمپانیهای بزرگ چند ملیتی و وضعیتی که سرمایه‌داری بر جهان تحمیل کرده است، همه این جنبش‌ها که روند عینی مبارزه طبقاتی آنها را در قطب سیاسی چپ جامعه قرار داده است، بستری هستند که کمونیستها میتوانند با حضور خود و ایفای نقش فعال تلاش کنند که افق سوسیالیستی در پیش پای آنها قرار دهند. وجود این جنبش‌های اجتماعی بیانگر این واقعیت است که بشریت نمی‌پذیرد شرایطی که سرمایه‌داری امروز به جهان حاکم گردانیده است، سرنوشت محتوم وی باشد.

مقابله با مخاطرات و بربریتی که سرمایه‌داری به بشریت تحمیل کرده است به یک استراتژی روشن سوسیالیستی و جهانی نیاز دارد. استراتژی که به نیروی آگاهی، سازمان‌یابی و تلاش متحدانه میلیونها کارگر و انسانهای محروم و ستمدیده این کره خاکی متکی باشد، که خطیر بودن این شرایط را دریافته‌اند و نمی‌خواهند تسلیم دست بسته نظامی باشند که بقای خود را در میلیتاریسم و جنگ و ویرانگری و فقیر کردن توده‌های محروم جستجو می‌کند. دست‌یابی به یک چنین استراتژی در نبردی جهانی با کار مشترک در عرصه‌های انترناسیونالیستی امکان‌پذیر است و حزب کمونیست ایران به سهم خود باید پا در این میدان بگذارد.

کنگره هشتم حزب در ادامه همین مبحث حول گزارش سیاسی به بررسی اوضاع سیاسی ایران پرداخت و تاکید کرد که بورژوازی ایران در برابر بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی که جامعه ایران را فرا گرفته است صف یکدست و پلاتفورم سیاسی واحدی ندارد. بخشی از این بورژوازی که منافع خود را در چهار چوب همین رژیم تحقق یافته می‌بیند، دست‌اندر کار اجرای اصلاحاتی است که از طریق آنها، هم بتواند مشارکت فعالتری در تصمیم‌گیری سیاسی کشور داشته باشد و هم موانع باقی مانده موجود بر سر راه ادغام بازار ایران در بازار جهانی را برطرف سازد. نمایندگان این طیف بخشی از همان دوم‌خردادی‌هایی هستند که در درون دستگاه‌های اجرایی و اداری رژیم باقی مانده‌اند و بخش دیگر هم آن طیفی هستند که در طی تغییرات یکسال گذشته و شکاف در جبهه دوم‌خرداد از مجلس و از بعضی ارگانهای رژیم رانده شده‌اند. تلاشهای آنها در چهار چوب رژیم اسلامی اما در خارج از حاکمیت ادامه دارد و بعنوان اپوزیسیون رسمی و قانونی به حیات خود ادامه می‌دهند.

بدنبال قطعی شدن شکست دوم خرداد صفوف لیبرالها تجزیه شده است. بخشی از این لیبرالها در اپوزیسیون تبعیدی قرار دارند و بخشی بعنوان اپوزیسیون قانونی برای روز مبادا بصورت ذخیره حفظ شده‌اند. لیبرالهای بیرون رژیم که بخش عمده آنها سال گذشته در برلین گرد هم آمدند تا صف به هم ریخته لیبرالیسم ایران را بازسازی کنند، امیدوار بودند که با رانده شدن بخشی از لیبرالها از حکومت بتوانند خلا آلترناتیو را پر کنند. اینها که در دوره قبل با شعار اصلاح در دین و اصلاح در ساختارهای رژیم اسلامی به میدان آمده بودند، اکنون این استراتژی را کنار گذاشته و خواهان جایگزینی جمهوری اسلامی با یک جمهوری سکولار هستند. طیف لیبرالهای ایران علیرغم پراکندگی امروزشان چه در هیئت اپوزیسیون قانونی و چه در موقعیت اپوزیسیون تبعیدی خود را جانشین طبیعی رژیم بحران زده اسلامی در ایران می بینند.

اما به روشنی می‌توان نشان داد که لیبرالیسم ایران حتی در چپ‌ترین سیمای خود نه برای آینده مردم ایران رفاه و آسودگی به ارمغان می‌آورد و نه می‌تواند پاسخگوی خواستها و مطالبات دمکراتیک جامعه باشد. لیبرالیسم بورژوازی از آنجا که حفظ مالکیت خصوصی برایش قدوسیت دارد نمی‌تواند آزادیهای دمکراتیکی را که در پلتفرم هایشان بر آن تاکید می‌شود، متحقق کند. در فرهنگ سیاسی اینها وقتی از رفرفرم صحبت می‌شود به هیچ وجه منظورشان بهبود شرایط زندگی مردم تهیدست کارگر و زحمتکش نیست، بلکه رفرفرم اقتصادی از نظر آنها رفع موانع برای سودآوری بیشتر سرمایه است و وقتی هم از دمکراسی صحبت می‌شود آزادی گردش سرمایه مورد نظرشان است و یا در جستجوی پیدا کردن مجرای هستند تا بتوانند در جنبش‌های اجتماعی موجود نفوذ کنند و از درون آنها را به کنترل خود در آورند. این واقعیات را تجربه قدرت‌یابی این گرایش در جهان سوم به ما می‌گوید.

اما در مقابل این تلاشهای لیبرالیسم بورژوازی ایران برای شکل دادن به آلترناتیو حکومتی مورد نظر خود، کنگره هشتم حزب کمونیست ایران تاکید کرد، که نه تنها سرنوشت جمهوری اسلامی بلکه هر درجه تغییر رادیکال اجتماعی در ایران در زمینه‌های دمکراتیک و اقتصادی نیازمند حضور متشکل طبقه کارگر در صحنه مبارزات سیاسی و اجتماعی است. هم اکنون طبقه کارگر در دل شرایط سخت و فلاکت‌بار اقتصادی که حاکمان سرمایه به او تحمیل کرده‌اند، برای دستیابی به خواستها و مطالبات روزمره اش مبارزه می‌کند، با اتکا به تجاربی که در این مبارزه اندوخته است و به همت فعالین و رهبرانی که پرورده است در تلاش است که صف طبقاتی خود را متحد و یکپارچه کند و تلاشهای سرمایه‌داران را برای کنترل جنبشی که برپا کرده‌اند عقیم بگذارد، با جنبش انقلابی کردستان و دیگر جنبشهای پیشرو و مترقی هم پیمان می‌شود و در چنین مسیری برای برپا داشتن حکومت محرومان جامعه، حکومت کارگری آماده می‌گردد. اما لازمه پیمودن پیروزمندانه چنین مسیری این است که جریان سوسیالیستی و کارگری در راس این حرکت قرار بگیرد. حزب کمونیست ایران برای شکل دادن به چنین جریانی که قادر باشد این وظیفه خطیر را انجام دهد، باید پیگیرانه تلاش نماید. با عزیمت از این واقعیات و استراتژی انقلاب کارگری است که حزب کمونیست ایران عرصه اصلی فعالیت خود در داخل کشور را، کار در میان طبقه کارگر و در جنبش کارگری تعریف کرده است.

ما می‌خواهیم طبقه کارگر ایران در یک صف مستقل طبقاتی در صحنه سیاسی ایفای نقش کند. از نظر ما طبقه کارگر ایران از لحاظ مکان تعیین کننده‌ای که در تولید جامعه دارد، از لحاظ نیرو و وزن اجتماعی خویش، قادر است که دولت طبقاتی خود را از طریق یک انقلاب پیروزمند کارگری برقرار سازد. ما همه نیرو و امکانات خود را به منظور نزدیک کردن چنین هدفی به کار خواهیم گرفت. با مبارزه در چنین جهتی برای کسب هر دستاوردی که بهبودی در شرایط کار و زندگی کارگران بوجود آورد و یا به شکل و سازمان‌یابی آنها کمک رساند، تلاش می‌کنیم.

در شرایطی که زنان ایران در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی، همچنان زیر بار قوانین اسارت‌بار مذهبی و مردسالارانه برای دستیابی به ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود مبارزه می‌کنند، کنگره بر حضور فعال حزب کمونیست ایران و جریان سوسیالیستی در عرصه‌های مختلف مبارزه زنان تاکید کرد. کنگره، سازمان دادن دهها نهاد و انتشار نشریات مختلف از جانب جناح‌های مختلف رژیم برای اشاعه فمینیسم اسلامی و تلاش بخش‌های مختلف اپوزسیون بورژوازی برای به کنترل در آوردن این جنبش را، نشانگر ظرفیت‌های انقلابی جنبش زنان ارزیابی کرد و عقیم گذاشتن تلاش‌های بورژوازی برای کنترل این جنبش را، امر جریان سوسیالیسم کارگری دانست.

کنگره در بحث حول جنبش دانشجویی، نقطه قوت این جنبش را نه در متمرکز شدن بر خواسته‌های صنفی دانشجویان، بلکه در طرح و پافشاری بر مطالبات سیاسی این جنبش در رابطه با وضعیتی که بر جامعه ایران می‌گذرد و تلاش برای برقراری پیوند مبارزاتی با جنبش کارگری دانست.

در رابطه با جنبش انقلابی کردستان کنگره هشتم حزب کمونیست ایران ضمن تاکید مجدد بر استراتژی سوسیالیستی کومه‌له در کردستان، سازماندهی یک جنبش اعتراضی، ایجاد تشکلهای توده‌ای کارگران و زنان و ... تشویق و گسترش عرصه‌های کار علنی و قانونی و روشن کردن مبانی کار فعالین کومه‌له در داخل در همین رابطه، حفظ ظرفیتهای نظامی کومه‌له، منزوی کردن سیاستها و روشهای لیبرالی و ناسیونالیستی در رابطه با حل مسئله کرد و تحکیم موقعیت کومه‌له در کردستان در مبارزه برای رفع ستم ملی را از جمله وظایفی دانست که باید در همین دوره به انجام برسند. کنگره همچنین ضمن تایید جهت‌گیریها، و مصوبات کنگره دهم کومه‌له و سیاستها و مواضع کومه‌له در قبال وقایعی که در فاصله کنگره دهم تا کنون در منطقه روی داده اند، بحث مفصل‌تر در رابطه با وضعیت کردستان و منطقه و وظایف پیش‌رو کومه‌له را به کنگره یازدهم کومه‌له که به زودی برگزار می‌شود واگذار کرد.

کنگره در ادامه مباحثات خود به موقعیت جنبش کارگری در ایران پرداخت. کنگره در این مبحث ضمن بر شمردن عواقب و پیامدهای سیاستهای تعدیل اقتصادی رژیم و بورژوازی برای طبقه کارگر ایران، بر این نکته تاکید کرد که این فقدان تشکلهای توده‌ای، طبقاتی و سراسری کارگران است که این موقعیت تعرضی را به سرمایه‌داران و دولتشان داده است. امروز در شرایطی که مسئله تشکلیابی کارگران به اساسی‌ترین معضل و

گرهگاه جنبش کارگری ایران تبدیل شده است، وظیفه ایجاد و برپایی تشکلهای طبقاتی، توده ای و مستقل از دولت که متکی به مبارزه کارگران برای مقابله و به شکست کشاندن سیاستهای طبقه سرمایه‌دار ایران باشد، بعنوان یک ضرورت در مقابل همه فعالین و پیشروان جنبش کارگری ایران قرار گرفته است.

از آنجا که سازمان‌یابی و تشکل طبقاتی کارگران در دل مبارزه روزمره کارگران علیه طبقه سرمایه‌دار و برای دستیابی به مطالباتشان شکل می‌گیرد، مبارزات تا کنونی طبقه کارگر ایران و بویژه رشد آن در چند ساله اخیر زمینه‌های مناسبی را برای ایجاد این تشکلهای فراهم آورده است. پیشروان و فعالین کارگری در دل این مبارزات، سازماندهی هزاران اعتراض و اعتصاب کارگری را تجربه کرده اند. این طیف از کارگران به تجربه دریافته اند که بدون سازماندهی و ایجاد تشکلهای طبقاتی کارگران، پیشروی در مبارزه علیه هجوم سرمایه‌داران و رژیمشان ممکن نیست. اگر بورژوازی ایران تا کنون نتوانسته است تشکلهای مورد نظر خود را تشکیل و به طبقه کارگر ایران قالب کند، دقیقاً به همت تجربه، خود آگاهی و مبارزه همین فعالین و پیشروان رادیکال کارگری بوده است.

اکنون در شرایطی که تلاشهای نسبتاً وسیعی برای برپایی تشکلهای طبقاتی و توده ای کارگران در میان فعالین این جنبش در جریان است، تنها آن تشکلهایی امکان ادامه کاری و به عقب راندن تعرض بورژوازی و به شکست کشاندن سیاستهای دولت و سرمایه‌داران ایران را دارند که بتوانند حضور هر چه گسترده تری از کارگران را در این کارزار طبقاتی تامین کنند و برای تحقق خواستها و مطالبات کارگران به مبارزه و دخالت مستقیم آنان در تصمیم‌گیریها متکی باشند. در شرایط خفقان جمهوری اسلامی و در شرایطی که از آزادیهای دموکراتیک که لازمه ادامه کاری این تشکلهای می‌باشد خبری نیست، حضور گسترده کارگران در پروسه ایجاد و حفظ این تشکلهای می‌تواند ادامه‌کاری آنها را عملاً به رژیم جمهوری اسلامی تحمیل کند.

اگر رژیم جمهوری اسلامی و لیبرالیسم بورژوائی ایران با اتکا به رفرمیسم درون جنبش کارگری (که تا دیروز شرکت در شوراها و اسلامی را موعظه می‌کردند) در تلاش است تا تشکلهایی با ساختار بوروکراتیک که در سازش با سرمایه‌داران خواستهای کارگران را " تعقیب " کند، بوجود آورند، پیشروان رادیکال و سوسیالیستهای درون جنبش کارگری ایجاد تشکلهایی را در دستور کار خود قرار داده‌اند که بتواند دخالت مستقیم و گسترده کارگران را در تصمیم‌گیریها تامین کند و برای تحمیل مطالبات کارگران به سرمایه‌داران و دولت، به مبارزه خود کارگران متکی باشند. فعالین سوسیالیست درون جنبش کارگری که تصویر روشنی از ماهیت سیاستها، اهداف و استراتژی بورژوازی ایران دارند، می‌توانند نقش تعیین‌کننده ای در ایجاد این تشکلهای داشته باشند.

بررسی موقعیت جنبش چپ و جنبش سوسیالیستی ایران، یکی دیگر از دستور جلسات کنگره بود. کنگره در این مبحث با توجه به اوضاع سیاسی متحول ایران و این واقعیت که بخشهای مختلف بورژوازی ایران علیرغم تنوعی

که دارند عملاً در یک جبهه طبقاتی واحد برای شکل دادن به آلترناتیو مورد نظر خودشان تلاش می کنند، برنامه عمل حزب را در دو زمینه به تفکیک خاطر نشان کرد؛

نخست بر ضرورت همکاری، هماهنگی، اتحاد عمل و تشکیل " قطب سیاسی چپ در ایران" تاکید کرد. این واقعیت که جنبش چپ ایران علیرغم نفوذ و وجهه اجتماعی که دارد نتوانسته به نسبت نیرویی که دارد در صحنه سیاسی ایران ایفای نقش کند، تلاش عملی برای شکل دادن به یک همکاری وسیع سیاسی و ایجاد یک جبهه سیاسی از طیف چپ رادیکال را به یک ضرورت تبدیل کرده است. با ایجاد و فعال شدن چنین قطبی جایگاه و اثرات فعالیت چپ ایران بر روندهای موجود در جامعه می تواند بسیار برجسته تر از آنچه تا کنون بازنتاب یافته است.

شکل گیری یک قطب سیاسی چپ از میان این طیف بر اساس اشتراکات در آرمانها و اهداف کلی برنامه ای و خط مشی و سیاست عملی، امکان پذیر است. همکاری ما با طیفی از سازمانهای متشکل در اتحاد نیروها و فعالین چپ و کمونیست بر چنین درکی استوار بوده است. این طیف چپ در این راستا علیرغم اختلافاتی که دارد می تواند بر محور تقویت مبارزات کارگری و جنبش های توده ای در ایران، همکاریهای وسیع سیاسی را سازمان دهد و پیش ببرد. این نوع اتحاد عمل ها می تواند، به حضور سیاسی و قدرتمند چپ در داخل و خارج ایران کمک کند، بر توازن قوای طبقاتی به نفع جبهه کارگران تاثیر بگذارد، و جریان سوسیالیستی کارگری را در موقعیت بهتری برای پیگیری اهداف طبقاتی و استراتژیکی خود قرار دهد.

اما اگر روند اوضاع سیاسی در ایران و ضرورت تغییر توازن قوا به نفع جبهه رادیکال و چپ در جامعه تلاش برای شکل دادن به یک قطب نیرومند سیاسی چپ را به یک ضرورت سیاسی مبرم تبدیل کرده است از طرف دیگر موقعیت کنونی جنبش کمونیستی ایران و شرایط جدید مبارزه طبقاتی و و طایف سخت و دشوار و متنوعی که مبارزه برای تحقق یک انقلاب کارگری و سوسیالیستی در دستور کار کمونیست ها است، تلاش برای ایجاد وحدت در صفوف کمونیستهای ایران را در مقابل ما قرار می دهد. کنگره در این رابطه فقدان یک استراتژی سیاسی واحد را که روشن کند کدام نیروی اجتماعی و طی چه پروسه ای قرار است رژیم جمهوری اسلامی را به زیر کشد و انقلاب کارگری را به پیروزی برساند، استراتژی ای که بر تحلیلی واقعبینانه از توازن قوای طبقاتی و جنبش های اجتماعی استوار باشد، را عامل پراکندگی نیروهای درون جریان سوسیالیسم کارگری ایران تشخیص داد. کنگره از آنجا که تحلیل و ارزیابی واحد از شرایط کنونی مبارزه طبقاتی را یکی از پیش شرطهای دستیابی به استراتژی واحد سیاسی دانست، مولفه های جدیدی را که بر شرایط مبارزه طبقاتی در ایران تاثیر گذاشته اند، مورد تاکید قرار داد.

حزب کمونیست ایران به سهم خود برای متحد کردن صف همه نیروها، محافل و افرادی که امر خود را خدمت به متشکل کردن کارگران، نقد سوسیالیستی آلترناتیو راه کارهای لیبرالیسم بورژوازی، گستراندن افق سوسیالیستی بر جنبش اجتماعی، تحقق انقلاب کارگری و استقرار یک جامعه سوسیالیستی قرار داده اند، تلاش می کند.

در همین راستا ما به منظور بحث و تبادل نظر بر سر مهمترین مسائل مبارزه طبقاتی و موانع و مشکلاتی که سر راه پیشروی جنبش کارگری و سوسیالیستی قرار دارد برگزاری جلسات و سمینارهای مشترک با این نیروها را در دستور کار خود قرار می دهیم. بدیهی است که ایجاد هم نظری بر سر این مسائل زمینه وحدت عمل و همکاری های فشرده تر و گسترده تری را فراهم مینماید و سرانجام زمینه را برای فرو ریختن مرزها و دیوارهای تشکیلاتی و تامین وحدت گسترده تر کمونیستهای ایران فراهم می نماید.

کنگره در بخش رسیدگی به قرارها و قطعنامه های پیشنهادی، کلیات گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره و کلیات قطعنامه هایی را که در رابطه با موقعیت جنبش کارگری و سازمان یابی آن و در مورد موقعیت جنبش چپ و سوسیالیستی و وظایف ما به کنگره ارائه داده شده بود را مورد تصویب قرار داد و تدقیق آنها را بر اساس مباحث کنگره به کمیته مرکزی حزب منتخب خود واگذار کرد. کنگره همچنین ارسال پیامهایی به کارگران، به خانواده جانبازان صفوف حزب کمونیست ایران و برای زندانیان سیاسی را، به کمیته مرکزی واگذار کرد و با تصویب قرارهایی به منظور بهبود فعالیت های حزب، وارد دستور جلسه انتخابات کمیته مرکزی شد. کنگره از میان اعضای خود 11 نفر را بعنوان اعضای اصلی و 3 نفر را بعنوان اعضای علی البدل کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران انتخاب کرد. اسامی آنها عبارت است از:

رفقا: روناک آشناگر، هلمت احمدیان، حسن رحمان پناه، بهرام رحمانی، رشید رزاقی، فرهاد شعبانی، ابراهیم علیزاده، محمود قهرمانی، جلال محمد نژاد، صلاح مازوجی و رحمان نجات، عضو اصلی و رفقا شمسی خرمی، اسماعیل قهرمانی و سروه ناصری عضو علی البدل.

مطابق یکی از قرارهای مصوبه کنگره، گزارش سیاسی و قطعنامه های مصوب در سطح علنی انتشار خواهند یافت.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران
تیر ماه 1383 (ژوئیه 2004)